

انقلاب مشروطه با رسم شکل!

محمّد رفیع ضیائی



سازمان اسناد و کتابخانه ملی
جمهوری اسلامی ایران

سرشناسه
عنوان و نام پدیدآور : انقلاب مشروطه با رسم شکل
مشخصات نشر : تهران : مروارید، ۱۳۹۴
مشخصات ظاهری : ۳۴۶ ص: مصور (رنگی)
شابک : ۹۷۸-۹۶۴-۱۹۱-۳۸۲-۵
وضعیت فهرست نویسی : فبیای مختصر
یادداشت : فهرست نویسی کامل این اثر در نشانی: <http://opac.nliai.ir>
قابل دسترسی است
شماره کتابشناسی ملی : ۳۸۶۱۹۸۳



تهران: خیابان انقلاب، روبه روی دانشگاه تهران، پلاک ۱۱۸۸ / ص. پ. ۱۶۵۴-۱۳۱۳۵
دفتر: ۶۶۴۰۰۸۶۶-۶۶۴۱۴۰۴۶ / ۱۳۶۱۲ / ۶۶۴۸۴۰۲۷
فروشگاه: ۶۶۴۶۷۸۴۸-۶۶۴۱۴۰۴۶ / www.miran.com

انقلاب مشروطه با رسم شکل

محمدرفع ضیایی

تولید فنی: النا ایل

صفحه‌آرایی: علیروز

چاپ اول، ۱۳۹۵

لیتوگرافی، چاپ و صحافی: طیف‌نگار

تیراژ ۱۱۰۰

شابک ۹۷۸-۹۶۴-۱۹۱-۳۸۲-۵ ISBN: 978-964-191-382-5

۱۷۰۰۰۰ ریال

راستش من اصلاً قصد شوخی با انقلاب مشروطه را نداشتم، چون اگر ما در ایران چند اتفاق واقعاً جدی داشته باشیم، یکی از آنها حتماً «مبنی انقلاب مشروطه» است. اما این عادت ما طنزپردازان است که معمولاً سعی می‌کنیم «چیزهای خیلی خیلی جدی، شوخی کنیم! واقعیت این است که وقتی موضوعی، بیش از اندازه جدی می‌شود کم‌کم در آن جوانه‌های شوخی شکل می‌گیرد. همیشه این طور بوده!

اولین بار کلمه‌ی مشروطه را وقتی شنیدم که بچه بودم. معمولی داشتم که یک صبح دل‌انگیز، خرمنی از آتش را در حیاط خانه روشن کرد و بعد کتب‌هایش را آورد و چند شعر از آن را برایمان خواند و ما که فقط ریتم و آهنگ شعر را می‌فهمیدیم شاد و سرگشته نور آتش می‌دویدیم و آن روز یادم هست که این شعر را می‌خواند:

رفت از دار فنا مشروطه رحمت الله و علی مشروطه!

بعد برگ برگ آن کتاب را پاره می‌کرد و در آن خرمن آتش می‌ریخت و ما هم به شوخی نوشحال بودیم و با هم می‌خواندیم: رفت از دار فنا مشروطه!

عرض کردم که من اصلاً قصد شوخی با انقلاب مشروطه را نداشتم و اصلاً تا سال‌های سال هم نمی‌دانستم که انقلاب مشروطه چه هست. بعدها فهمیدم واقعه‌ای بسیار بسیار جدی بوده! این قدر جدی که عده‌ای را سال‌ها سرکار گذاشته و عده‌ای را هم از سرکار برداشته! متأسفانه من هنوز هم نمی‌دانم در هر پدیده‌ی خیلی خیلی جدی می‌شود جوانه‌هایی از طنز را پیدا کرد که همین مورد در حال شد است. بعدها فهمیدم این شعرا از خدا بیامرز سید اشرف الدین گیلانی (نسیم شمال) است. ثویاه بن سید اشرف الدین بود که برای اولین بار جرأت کرد به صورت بسیار جدی! با انقلاب مشروطه شوخی و بگوید:

فِت ز دارِ مشروطه رحمت الله علی مشروطه

البته شوخی شوخی بود! آن سید بزرگوار فکر می‌کرد که مشروطه همان سال‌های اول یعنی تقریباً سرزارت و آن‌ها بعد از دست کمی از استبداد صغیر و کبیر ممد علی شاهی نداشت، استبدادی که در آن عموی بازنیز، رس، برگ برگ کتاب سید اشرف الدین را در آن خرمن آتش انداخت.

خداوند هر دوی این رفتگان را رحمت کند. مشروطه که گویا همان سال‌های اول پیروزی اش سرزارفته بود و هم سید اشرف الدین گیر می‌داشت با چیزهای خیلی خیلی جدی، درست مثل ما شوخی کند!...

محمد رفیع ضیایی